



پیشنهاد اصلاح بیمه بیکاری

تعداد مقرری بگیران بیمه بیکاری در دوونیم سال گذشته کاهش یافت. علی حسین رعیتی فرد، معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به ایسنا گفت: پیشنهاد گسترده‌تر شدن دامنه شمول در اصلاحیه قانون بیمه بیکاری را ارائه کرده‌ایم. او درباره آخرین آمار مقرری بگیران بیمه بیکاری در کشور اظهار داشت: شهریور سال ۱۴۰۰ تعداد مقرری بگیران بیمه بیکاری نزدیک به ۲۴۰ هزار نفر بود که اکنون به ۱۶۰ هزار نفر رسیده و تعداد قابل ملاحظه‌ای از مقرری بگیران بیمه بیکاری کم شده است. رعیتی فرد ادامه داد: با دستورالعمل و تفاهم‌نامه‌ای هم که بین ما و سازمان تامین اجتماعی و فنی و حرفه‌ای انجام شد، مصمم هستیم که این عدد کمتر شود چون هم بازار کار به کارگر ماهر و کاربلد نیاز دارد و هم سازمان فنی و حرفه‌ای آمادگی دارد که آموزش‌های لازم را ارائه دهد تا افراد بیکار به چرخه اشتغال بازگردند.



شرط عدم ثبت تلافروشان در سامانه جامع تجارت

ثبت صورت حساب الکترونیکی در هر یک از دو سامانه مؤدیان یا جامع تجارت توسط مؤدیان حوزه طلا و جواهر کفایت می‌کند. به گزارش روابط عمومی سازمان امور مالیاتی، در راستای تسهیل تکالیف مؤدیان مالیاتی، مؤدیانی که ملزم به صدور صورت حساب الکترونیکی شده‌اند، از جمله مؤدیان طلا و جواهر، اختیار دارند از طریق ثبت صورت حساب در سامانه مؤدیان (ارسالی توسط مؤدی یا شرکت‌های معتمد) یا سایر سامانه‌های دولتی از جمله سامانه جامع تجارت، صورت حساب‌های خود را ارسال کنند. بدیهی است در صورت ارسال صورت حساب از طریق سامانه جامع تجارت و دریافت تاییدیه ثبت آن در سامانه مؤدیان (تاییدیه مذکور در سامانه جامع تجارت نیز قابل نمایش است)، در اجرای تبصره (۲) ماده (۵) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان الحاقی طی ماده (۶) قانون تسهیل تکالیف مؤدیان، نیازی به ثبت مجدد صورت حساب الکترونیکی در سامانه مؤدیان توسط مؤدی نخواهد بود.



کاهش معافیت‌های مالیاتی

کاهش معافیت‌های مالیاتی در بودجه ۱۴۰۳ بر مبنای سیاست‌های اعلامی برنامه هفتم توسعه بود. به گزارش تنسنیم، حاجی بابایی، رئیس کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۳ با اشاره به ابهامات در خصوص لغو معافیت‌های مالیاتی و اختلاف ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی در بخش اول و دوم بودجه امسال گفت: در بودجه ۱۴۰۳ معافیت‌های مالیاتی را کم کردیم، بر این اساس اعلام کردیم شرکت‌هایی که تا حالا معافیت مالیاتی می‌گرفتند خواهش می‌کنیم که از امسال به بعد تا ۵۰۰ میلیارد تومان معافیت مالیات بگیرند، یعنی یک میزان مشخص معافیت داشته باشند. او افزود: کاهش معافیت‌های مالیاتی در بودجه ۱۴۰۳ اقدام خیلی خوبی بود. براساس سیاست‌های رهبری که اعلام کردند در برنامه هفتم مصوب کردیم که معافیت‌های مالیاتی را کاهش دهیم. همچنین فرار مالیاتی باید درست شود و پایه‌های مالیاتی اصلاح شود، تا یک در آمد مالیات خیلی خوبی داشته باشیم و فشار به مردم نیاید؛ پس ما یک ریال مالیات‌ها را افزایش ندادیم.

معماری اقتصاد بازنگری شود

جوزف یوجین استیگلیتز معاون ارشد سابق رئیس جمهور آمریکا درباره اشتباه حکمرانی جهانی می‌گوید



فاطمه لطفی
مترجم و روزنامه‌نگار

بخش بزرگی از معماری اقتصاد جهانی طراحی شده در دهه‌های اخیر مبتنی بر نتولیرالیسم بوده؛ یعنی همان ایده‌هایی که هایک و فریدمن مطرح کردند. به گفته جوزف یوجین استیگلیتز، نظام قواعدی که از آنجا شکل گرفته، باید اساساً بازنگری شود. تلاش برای ایجاد توافق‌های جهانی که برای فقرا منصفانه و سخاوتمندانه باشد، با در نظر گرفتن ژئوگنومیک و ژئوپلیتیک جدید دنیا در راستای منافع خود ایالات متحده، در راستای منافع «روشن‌نگرانه» این کشور، هرگز به نفع ایالات متحده نبود. حتی زمانی که هژمون بود یک برنامه جهانی شرکتی را دنبال

نکرد، امروز هم این برنامه به نفعش نیست. این مقاله برگرفته از کتاب «مسیر آزادی: اقتصاد و جامعه خوب» نوشته جوزف یوجین استیگلیتز و دلبیو دلبیو نورتون است که در نشریه فارن پالیسی منتشر شده است. «جوزف یوجین استیگلیتز» اقتصاددان آمریکایی نیوکینزی، تحلیلگر سیاست عمومی و استاد تمام دانشگاه کلمبیا است. او برنده جایزه یادبود نوبل در علوم اقتصادی و مدال جان بیتس کلارک است. پیشتر معاون ارشد رئیس جمهور ایالات متحده و اقتصاددان ارشد بانک جهانی بود. عضو سابق و رئیس شورای مشاوران اقتصادی رئیس جمهور ایالات متحده است و به خاطر حمایتش از نظریه مایه عمومی جورجیسم و دیدگاه‌های انتقادی‌اش از مدیریت جهانی سازی، لیسه فِر و نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مشهور است. در سپتامبر ۲۰۱۵، حزب کارگر بریتانیا اعلام کرد که استیگلیتز جزو پنج اقتصاددان برجسته‌ای است که در کمیته مشورتی اقتصادی این حزب عضو می‌شوند.

باورهای دیرینه و روابط قدرت

حکمرانی جهانی که مشککش هرگز واقعاً حل نشده، حالا دوران سختی را سپری می‌کند. همه به یک سیستم مبتنی بر قوانین اعتقاد دارند اما همه می‌خواهند قوانینی هم وضع کنند و وقتی قوانین علیه آنها کار می‌کند، از آن متنفر می‌شوند و می‌گویند که قوانین به حاکمیت آزادی آنها تجاوز می‌کنند. عدم تقارن عمیقی وجود دارد، کشورهای قدرتمند نه تنها قوانین را وضع می‌کنند، بلکه به میل خود این قوانین را زیر پا می‌گذارند، پس: آیا ما یک سیستم مبتنی بر قوانین داریم یا فقط نمایی از آن را می‌بینیم؟ البته، در چنین شرایطی، کسانی که قوانین را زیر پا می‌گذارند، معتقدند که این کار را فقط به این دلیل انجام می‌دهند که دیگران نیز چنین هستند.

چنین وضعیتی محصول باورهای دیرینه و روابط قدرت است. تحت این سیستم، پارانهای صنعتی نه تنها براساس قوانین سازمان تجارت جهانی، بلکه براساس دستورات آن چیزی که فکر می‌شود اقتصاد سالم است، ممنوع بود. «اقتصاد سالم» مجموعه‌ای از دکترین‌ها بود که به اقتصاد نئولیبرال معروف بودند و نویدرشد و شکوفایی را می‌داد. از طریق آزادسازی ظاهری اقتصاد با روادانستن شکوفایی به اصطلاح کسب‌وکار آزاد. «لیبرال» در نتولیرالیسم به معنای آزادی و «نئو» به معنای جدید بود، که نشان می‌دهد نسخه متفاوت و به‌روز شده‌ی لیبرالیسم قرن ۱۹ است. اما نتولیرالیسم نه واقعاً جدید بود و نه واقعاً‌هایی بخش. درست است که به شرکت‌ها حق بیشتری می‌داد برای آلوده کردن دنیا؛ اما [با اعطای این آزادی به شرکت‌ها]، آزادی تنفس هوای پاک را [از افراد] سلب می‌کرد؛ یا در مورد کسانی که بیماری آسم دارند، گام حتی اساسی‌ترین آزادی، یعنی آزادی زندگی کردن را هم می‌گرفت. «آزادی» به معنای آزادی برای انحصارطلبان در جهت ادامه استثمار مصرف‌کنندگان، «آزادی» به معنای آزادی برای انحصارگرایان (تعداد زیادی از شرکت‌هایی که قدرت بازار بر نیروی کار دارند) در جهت ادامه استثمار کارگران و «آزادی» به معنای آزادی بانک‌ها در جهت ادامه استثمار همه ما بود؛ مهندسی عظیم‌ترین بحران مالی در تاریخ، که مالیات‌دهندگان را ملزم می‌کرد تا میلیون‌ها دلار به عنوان کمک‌های مالی پرداخت کنند تا اطمینان حاصل شود که سیستم به اصطلاح سازمانی آزاد می‌تواند به کار خود ادامه دهد.

آزادسازی که به رشد سریع‌تر منجر شود، محقق نشد

این وعده که این آزادسازی منجر به رشد سریع‌تری می‌شود که همه از آن سود می‌برند، هرگز محقق نشد. تحت این دکترین‌ها که به مدت بیش از چهار دهه حاکم بوده، رشد در اکثر کشورهای پیشرفته کند شد. به عنوان مثال، رشد واقعی تولید ناخالص داخلی سرانه (متوسط درصد افزایش در سال) براساس داده‌های جمع‌آوری شده توسط فدرال رزرو سنت لوئیس، از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ حدود ۲/۵ درصد بود، اما از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸ به ۱/۵ درصد کاهش یافت. به جای اقتصاد نشستی (trickle-down)، که در آن همه سود می‌برند، ما اقتصاد قطره چکانی (trickle-up) داشتیم، که در آن یک درصد برتر و به‌ویژه ۰/۱ درصد برتر، هر روز تکه‌ای بزرگ‌تر از بزرگ‌تر از یک را به دست آوردند. اینها همه مصداق این جمله آیزن‌هاورلین، نظریه پرداز سیاسی بریتانیایی است که می‌گوید «آزادی کامل برای گرگ‌ها مرگ بر بره‌ها است». یا، همانطور که من گاهی اوقات آن را با ظرافت کمتری بیان کرده‌ام، «آزادی برای برخی به معنای عدم آزادی دیگران، از دست دادن آزادی برای آنها بوده است».

همانطور که افراد به‌درستی آزادی خود را گرامی می‌دارند، کشورها نیز اغلب تحت عنوان «حاکمیت» به گرامی داشت آزادی می‌پردازند. اما در حالی که چنین کلماتی به راحتی بیان می‌شوند، کمتر کسی به معنای عمیق‌تر آنها فکر کرده است. علم اقتصاد با مشارکت جان استوارت میل در قرن نوزدهم (درباره آزادی) و آثار میلتون فریدمن و فردریش هایک در اواسط دهه بیستم (سرمایه‌داری و آزادی و راه‌بردگی) به بحث درباره معنای آزادی و حاکمیت پرداخته است.

اما بر خلاف آنچه هایک و فریدمن نوشته‌اند، بازارهای آزاد و بدون محدودیت منجر به کارایی و رفاه جامعه نمی‌شود؛ امری که با نگاهی به اطراف باید برای هر کسی واضح و مشخص باشد. فقط به بحران نابرابری، بحران اقلیم، بحران مواد مخدر، بحران دیابت دوران کودکی یا بحران مالی ۲۰۰۸ فکر کنید. اینها بحران‌هایی هستند که بازار ایجاد می‌کند، با بازار تشدید می‌شوند و یا بحران‌هایی که بازار قادر به مقابله مناسب با آن‌ها نبوده است. نظریه پردازان اقتصادی (از جمله من) نشان داده‌اند که هر زمان اطلاعات ناقص یا بازارهای ناقص (یعنی همیشه) وجود داشته باشد، این فرض هم هست که بازارها کارآمد نیستند. حتی کمی نقص در بازار می‌تواند تأثیرات بزرگی داشته باشد.

مشکل این است که بخش بزرگی از معماری اقتصاد جهانی طراحی شده در دهه‌های اخیر مبتنی بر نتولیرالیسم بوده؛ یعنی همان ایده‌هایی که هایک و فریدمن مطرح کردند. نظام قواعدی که از آنجا شکل گرفته باید اساساً بازنگری شود. از دیدگاه یک اقتصاددان، آزادی عبارت است از «آزادی انجام دادن»، به معنای اندازه مجموعه فرصت‌ها یا گستره انتخاب‌های موجود یک فرد.

یک فرد ثروتمند به وضوح آزادی بیشتری در انتخاب دارد

کسی که در آستانه گرسنگی است، آزادی واقعی ندارد، او برای زنده ماندن هر کاری که باید انجام می‌دهد. یک فرد ثروتمند به وضوح آزادی بیشتری در انتخاب دارد. «آزادی انجام دادن» نیز زمانی محدود می‌شود که فردی آسیب ببیند. بدیهی است که اگر فردی توسط یک مرد مسلح یا یک ویروس کشته شود، یا حتی به خاطر کووید-۱۹ در

